

سینیما رکنس

نگاهی به فیلم «بی مادر»

حفظ فاصله از سوژه؛ محافظه‌کاری یا ناآگاهی؟



گروه فرهنگی – رویا سلیمی: فیلم سینمایی «بی مادر» به نویسندگی و کارگردانی سیدمرتضی فاطمی، ملودرامی خانوادگی با تأکید بر فرزندآوری و رحم اجزای مادر است، و به اتفاقات و مخاطراتی می‌پردازد که در پیی این تصمیم برای شخصیت‌های داستان رقم می‌خورد. در بستر سوژه اصلی فیلم، تقابلی را مطرح می‌کند که عموماً در اینگونه از فیلم‌ها میان طبقه مرفه و طبقه فقیر جامعه ایجاد می‌شود و کنش‌های متقابل آنها در موقعیت‌های پیش آمده، درام را پیش می‌برد. طبقه مرفه گویی به واسطه پول و امکانات می‌تواند به اجاره هر چیزی دست بزند. هزینه عمل و پیوند کلیه و زمان دریافت

پیوند را تغییر دهد و گویی قوانین و مقررات در قبال تمکن مالی او محلی از اعراب ندارد. «بی مادر» به گونه‌ای به داستان فرزندآوری در دل سوژه خود می‌پردازد که گویی شخصیت‌ها مبادله کالا به کالا انجام می‌دهند. چنان‌که تغییر زمان پیوند و ایجاد شرایط برای دریافت کلیه‌ای برای پیوند زدن همه زیر سلطه امکان مالی طبقه مرفه داستان، منطق خود را پیدا می‌کند. در کنار فعالمایشه بودن ثروتمندان در فیلم؛ طبقه فقیر انسان‌های شریف و زحمت کشی هستند که شرایط و موقعیت‌های کسب ثروت آنها را از خصائص انسانی دور نمی‌کند. زن فقیر داستان، سیمین با بازی پردیس پورعابدینی، فراردار رحم اجاره‌ای را تنها به

شرط پیوند کلیه پسرش انجام می‌دهد و پس از اینکه عمل پیوند ناموفق پیش می‌رود، به عهد خود با خانواده متمول پایبند است. ضمن اینکه در این بحث فیلم‌ساز تکلیف خود را با بحث صداقت و پایبندی به عهد شخصیت این عهدنامه علمی ناپسند است که در پی نیاز مالی زن برای درمان فرزندش صورت می‌گیرد. به تعبیری او به عملی دست می‌زند که علی‌رغم میل باطنی‌اش برای تأمین مخارج عمل فرزندش صورت می‌گیرد. عملی که از سسوی اعضای خانواده نیز مطلوب نیست و به شدت تقیح می‌شود. اما در ادامه برای مزه مزه شدن طبقه فقیر و تأکید دوباره، آنها علی‌رغم پایبندی به عهد خود، حتی حاضر به

کارگردان مستند «سینه‌ما ر کس»:

دستیابی به حقیقت فاجعه سینمار کس هنوز کار دشواری است

این موضوع فکر می‌کردم که چرا هیچ‌گاه ما نگاهی اینچنین به ماجرا نداشتیم و هیچ وقت به سراغ بازماندگان نرفتم. از طرف بزرگواری پیشینه‌ها شد از تعدادی دانشجوی روانشناسی کمک بگیرم که با خانواده‌ها مواجه نشوند و مسیر درمانگری را پیش ببرند؛ اما باز احساس کردم باید کسی این نگاه را پیش ببرد که تحلیل روانشناسانه داشته باشد و از طرفی واقعیت تولید این است که وقتی حمایت خوبی نداشته باشی و برای تولید مجبور به گرفتن وام باشی؛ اضافه شدن افراد به تیم تولید، هزینه‌ها را افزایش می‌دهد پس بهتر است روایتگر صحبت‌های افراد باشم.

در فاجعه سینما ر کس قربانیان زیادی را می‌توان نام برد، حتی فردی چون آقای عباس زارعی که هیچ عزیزی را در این فاجعه از دست نداده هم یکی از قربانیان این اتفاق است چراکه اولین نفری است که پس از آتش‌سوزی وارد سینما می‌شود و در مستند هم می‌بینیم که می‌گوید این اتفاق هنوز از ذهنش پاک نشده و هر سال اطلاعاتش را دوباره یادداشت می‌کند تا فراموش نشود. او صحنه‌هایی دیده بود که وقتی تعریف می‌کرده، اطرافیان بر این گمان بودند که شاید او دچار توهم شده اما زمانی که تصاویر دادگاه منتشر شد و براساس اطلاعاتی که دیگران ارائه دادند، مشخص شد که او متوهم نبوده و حرف‌هایش واقعی است.

اما در مستند «سینه‌ما ر کس» بین اظهارات آقای زارعی و تکبیلی‌زاده تفاوت زیادی وجود دارد که نمی‌تواند اظهارات هر دو نفر واقعی باشد. این طور نیست؟

زنده‌یاد خدری عکاس روزنامه‌که کیهان که پس از آقای زارعی به عنوان دومین نفر وارد سینما شد نیز صحنه‌های جناب زارعی را تأیید کردند. با ایشان مصاحبه‌ای داشتم که متأسفانه ایشان از انتشار مصاحبه منصرف شد و من نتوانستم از آن در مستند استفاده کنم. آقای خدری در این مصاحبه صحبت‌های آقای زارعی را تکرار می‌کند و می‌گوید در سینما همه افراد در جای خود نشسته بودند و وقتی وارد سالن شدیم همه اجساد روی صندلی‌هایشان حضور داشتند و حتی کودک ۸ ساله‌ای هم روی صندلی آزاد می‌شود و به خانه می‌رود عذاب وجدان می‌گیرد و در بازداشت مجدد در انقلاب روایت‌های دیگری می‌شود که سردرگم می‌شود. ما با همسایه این فرد هم صحبت کردیم که متأسفانه او هم از پخش مصاحبه‌اش منصرف شد. او در صحبت‌هایش بلین نیز سر سوال می‌رود. دچار عذاب وجدان شده بود و قسه آتش‌سوزی را برای همه ما تعریف کرد و می‌گفت قرار بود یک آتش‌سوزی ساده باشد اما پیچیدگی ایباد حادثه و گستردگی حادثه از قدرت درک حسین تکبیلی‌زاده فراتر برداری شد. به نظر من حتی حسین تکبیلی‌زاده و برادرش هم جزو قربانیان بودند.

در این مستند افرادی مقابل دوربین قرار می‌گیرند که احتمالاً پیدا کردن آن‌ها کار بسیار سختی بوده. برای دسترسی به این افراد چه پروسه‌های را طی کردید؟

پیدا کردن برادر حسین تکبیلی‌زاده‌هایشانم که در دادگاه حاضر می‌شود و اولین متهم آتش‌سوزی سینمار کس است کار بسیار سختی بود.هاشم منیشدپور معروف به آشور، فردی عرب‌زبان بود که از رزو داشت به کویت برود و آنجا کار کند، افرادی از سداگی او سوء استفاده می‌کنند و او را از لب شط با قایقی در رودخانه عبور می‌دهند و وارد خاک عراق می‌کنند و او تصور می‌کند که وارد کویت شده و این هم دلیلش در همان شب فاجعه سینمار کس رخ داده و به همین حالت در تحقیقات به او شک می‌کنند که شاید او این فاجعه را رقم زده و فرار کرده و به همین دلیل دستگیر می‌شود. در فیلم‌های دادگاه دیدم که‌هاشم منیشدپور معروف به آشور، چقیه‌ای به دوش دارد؛ این چقیه به نظر برای او اهمیت زیادی داشت که در روز دادگاه هم آن را به دوش نه محبوب خودش.

فعلی مخاطب را با خود همراه نمی‌کند. به زعم ان، این طبقه برای رسیدن به اهدافشان از هیچ دروغ و خطایی چشم پوشی نمی‌کنند و همواره برای رسیدن به اهداف خود حد و مرزی قائل نیستند. گویی طبقه افراد است که نوع زیست و اخلاق اجتماعی و فردی آنها را تعیین می‌کند و در این نقشه کلی، جایگاه هر فرد کاملاً مشخص و از پیش تعیین شده خواهد بود.

نکته دیگر در فیلم، تأکید بسیار بر حرام بودن سقط جنین است. جالب اینکه این تأکید چندین بار از زبان شخصیت منفی فیلم مطرح می‌شود. او به مراجعان و همسر بر این مسئله اصرار دارد و به شدت با آن مخالف است. اما وقتی پسای منافع خود پیش می‌آید، حرام و حلال دست‌مایه خواسته‌های شخصی او قرار می‌گیرد و در نهایت نیز به مقصد خود می‌رسد. سرنوشت محتوم طبقه پایین جامعه نیز همچنان بر همان روال سابق می‌چرخد.فقر آنها ثابت و غیرقابل تغییر و خواسته‌های طبقه ثروتمند نیز قابل اجرا و بر روال سابق عملی می‌شود. آنچه نفع طبقه فقیر را در پی دارد، همان شرافتی است که گویا با فقر گره خورده و در ذات و بن‌مایه این طبقه بالقوه وجود دارد. در حالی که طبقه ثروتمند با توجه به توان و امکانات مادی، نگاه ابزاری و شی‌گونه به افراد و مناسبات دارند. این نوع قضاوت و ترسیم جهان تاریک و سیاه طبقات بالا در ضدیت با طبقه معصوم و شریف پایین، بیش از آنکه کلیشه‌ای و دم دستی باشد، ناشی از نگاه ناپخته و غلط فیلم‌ساز از جهان پیرامونش است. جهانی سیاه و سفید و خوب و بد که در آن هر چیزی تعریف ثابت و لایتغیری دارد. فیلم حتی در این نگاه نیز نمی‌تواند به درستی داستانش را تعریف کند. دنیای سیاه و تاریک پیش‌برنده مناسبات و خواست‌های دنیای مادی است و همه چیز بر وفق مراد آن می‌چرخد. در صورتی که جهان

دریافت مبلغ توافق نمی‌شود. فقرا در فیلم، علیرغم فشار شدید اقتصادی انسان‌های شریف و زحمت‌کشی هستند و فقیر در فیلم اسپنزا و خانمان برانداز نیست. در کنار صداقت و پایبندی به عهد شخصیت فقیر، زن متمول قسه با بازی میترا جبار، پس از اینکه نسبت به علاقه همسرش به سیمین شک می‌کند، از تصمیمش برای فرزندآوری منصرف شده و در جواب آزمایش اطلاعات غلط ثبت می‌کند و اصرار به سقط جنین دارد. بدعهدی و دروغگویی و عدم رعایت حقوق دیگران؛ از ویژگی‌های او محسوب می‌شود. نگاه یک جانبه و کلیشه‌ای به طبقه مرفه، که یادآور برخی آثار دهه هفتاد است؛ در شرایط

اخبار کوتاه

مرتضی اشرفی پس از ۱۰ سال

وارد بازار رسمی موسیقی شد



با صدور مجوز رسمی نخستین تک آهنگ «مرتضی اشرفی»، این خواننده پاپ پس از ۱۰ سال فعالیت به صورت غیررسمی، دور جدید فعالیت‌هایش را در فضای رسمی موسیقی در ایران

آغاز خواهد کرد. به گزارش خبرنگار ایرنا، این خواننده پاپ، در همه این سالها بیش از پنجاه اثر در موسیقی ایران منتشر کرده است که برخی از این آثار مخاطبان زیادی داشت و در مقاطعی نیز او جزو پرمخاطب‌ترین خواننده‌های عرصه غیررسمی در ایران بود. هم زمان با آغاز رسمی فعالیت‌های این خواننده، نخستین تک آهنگ او نیز با اخذ تمام مجوزهای رسمی از دفتر موسیقی وزارت ارشاد، اواخر همین هفته رسماً منتشر و در اختیار دوستداران موسیقی قرار خواهد گرفت. نخستین تک آهنگ مرتضی اشرفی، «دلنتگ» نام دارد و با شعر ملودی محمد بیرانوند و تنظیم بابک ایمانی روانه بازار موسیقی کشور خواهد شد. این خواننده درباره آغاز فعالیت‌های رسمی خود گفت: «سالهای زیادی را از دست دادم ولی از روزی که مجوزهای فعالیت‌های رسمی من منتشر شده، بار دیگر کوهی از انگیزه و انرژی خوب در من بوجود آمده و باور دارم می‌توانم تمام این سالها را جبران کنم». اشرفی درباره نخستین اثر رسمی خود نیز بیان کرد: «تک آهنگ «دلنتگ» نخستین اثر رسمی من در بازار موسیقی کشور است که اواخر همین هفته منتشر خواهد شد. سعی کرده‌ام از همین نخستین اثر، میزان انرژی و احوالات این روزهایم را در مخاطبان وفادارم به اشتراک بگذارم و در این مسیر قطعاً همه توان و انرژی خود را صرف خواهم کرد.» ابوالفضل نوری تهیه‌کننده آثار رسمی و مجاز این خواننده است.

ارکستر ملی ایران «وداع» را روی صحنه می‌برد

ارکستر ملی ایران با اجرای ویژه پوتم سمفونی «وداع» در تالار وحدت روی صحنه می‌رود. به گزارش ایرنا از روابط عمومی و امور بین‌الملل بنیاد رودکی، کنسرت «وداع» در آستانهربعین حسینی (ع) و با صدای حسام‌الدین سراج هشتم شهریور در تالار وحدت برگزار می‌شود. آهنگسازی پوتم سمفونی «وداع» را حسام‌الدین سراج و تنظیم آن برای ارکستر را سیدمحمد میرزمانی بر عهده دارند. رهبر این اجرای ارکستر ملی ایران همایون رحیمیان است. همچنین ساعد باقری «وداع» را با همراهی گروه کر بنیاد رودکی روایت می‌کند. کنسرت «وداع» هشتم شهریور ساعت ۲۱:۳۰ در تالار بزرگاز می‌شود و علاقه‌مندان می‌توانند جهت تهیه بلیت به سامانه ایران کنسرت به نشانی **www.iranconcert.com** مراجعه کنند. ارکستر ملی ایران آبان ماه سال ۱۳۹۷ کنسرت «وداع» را به رهبری نادر مرتضی پور به عنوان رهبر همهان و خوانندگی حسام‌الدین سراج – خواننده آلبوم «وداع»- در تالار وحدت به روی صحنه برده است.

افتتاحیه ۱۵۰ میلیون تومانی یک ستاره‌بازی



آخرین ساخته‌هافت علیمردانی موفق شد تا طی ۳ روز نخست نمایش خود، با جذب بیش از ۲۵۰۰ مخاطب، به فروش ۱۵۰ میلیون تومانی برسد. به گزارش ایرنا، ستاره‌بازی، جدیدترین ساخته‌هافت علیمردانی، طی ۳ روز نخست نمایش خود، در ۱۸۰ سالن، ۲۵۵۰ بلیت فروخت و با گیشه ۱۵۰ میلیون تومانی، یک افتتاحیه جمع‌وجور را تجربه کرد.

البته اعلام اکران ناگهانی فیلم در کنار نبود هیچ تبلیغاتی سبب شده تا به این افتتاحیه، به چشم امیدواری نگاه کنیم و با تجربه‌ای که از دیگر کارهای کارگردان سراغ داریم، مطمئن باشیم که این فیلم علیمردانی نیز به‌مانند بسیاری از آثار دیگر وی، از هفته‌های بعد، روی دور تند استقبال قرار بگیرد. علیمردانی که کارگردانی در سینما را با گونه کودک آغاز کرد، در ادامه توانست آثار اجتماعی قابل‌توجهی چون به خاطر پونه، مردن به وقت شهریور، کوچی بی‌نام، هفت‌ماهگی و اباجان را به تولید برساند. کمبوس، با راه‌گهی کمیک، تجربه متفاوت این کارگردان جوان بود. حالا اما ستاره‌بازی با ساختار و ریتمی متفاوت، نمود دغدغه‌ای جدید از سینماگر اجتماعی‌ساز کشورمان را دارد که می‌تواند جذابیت‌های بسیاری برای مخاطبان داشته باشد. ستاره‌بازی محصول مشترک ایران و آمریکاست که در سی‌ونهمین دوره جشنواره فیلم فجر رونمایی شد. فیلم در ادامه موفق شد تا در جشنواره‌های مختلف جهانی نیز جوایز مهمی را به دست آورد. فیلم قرار است از اواسط اکتبر، توسط کمپانی آمریکایی شک‌سینما در سراسر آمریکا و کانادا به روی پرده برود. در خلاصه داستان این فیلم آمده است: امروز ۲۹ نوامبر، از اون‌هاولین لعنتی بیه ماه می‌گذره، من به کار بد کردم، یه کار خیلی بد ... در این فیلم بازیگرانی چون فرهاد اصلانی، شبنم مقدمی، ملیسا ذاکری، علی مصفا و مایکل مدسن؛ ستاره سینمای آمریکا به همراه مارشال منش، لیندا هویزهاور، رستزئین و دان لیستر به ایفای نقش پرداخته‌اند. ستاره‌بازی هم‌اکنون در سینماهای سراسر کشور به روی پرده است.

مدیران جشنواره ملی فیلم اقوام ایرانی معرفی شدند

رئیس نخستین دوره جشنواره ملی فیلم اقوام ایرانی طی حکمی مدیران بخش‌های مختلف این رویداد را معرفی کرد. به گزارش ایرنا از روابط عمومی نخستین جشنواره ملی فیلم اقوام ایرانی، مهدی حیدری با حکم، مدیران بخش‌های مختلف نخستین دوره جشنواره ملی فیلم اقوام ایرانی را معرفی کرد. فرید حیدری قائم‌مقام رئیس جشنواره و مدیر امور اداری و مالی جشنواره، کریم فرهاد مدیر اجرایی، رکنسا تققرایی مدیر روابط عمومی و اطلاع رسانی و احد یگانه مدیر کمیته نخستین جشنواره ملی فیلم اقوام ایرانی هستند. فرید حیدری متولد ۱۳۲۲، مدیرعامل موسسه فرهنگی هنری فصل هنر، دانش آموخته کنترای مدیریت رسانه، مدرس دانشگاه، رئیس هیئت مدیره موسسه سینمایی موج نماشا، مدیر مسئول آژانس خبری سوزینوز و مشاور عالی انجمن سینماگران آذربایجان شرقی و ... است. کریم فرهاد متولد ۱۳۵۶ در تبریز نوسنده و کارگردان، عضو انجمن فیلمسازان آزاد ترکیه، انجمن سینمای جوانان ایران و رئیس کمیته کارگردانی انجمن سینماگران تبریز است. رکنسا تققرایی متولد ۱۳۷۰ کارشناس ارشد ارتباطات، مدیر روابط عمومی، ستاد خبری رویدادها و جشنواره‌ها و مشاور رسانه‌ای محصولات فرهنگی و هنری است. احد یگانه کارگردان، کارشناس ارشد ارتباطات اجتماعی تبریز، نگار، گزارشگر، کارشناس و مسئول امور رسانه‌ای و دبیر اجرایی و علمی رویدادهای مختلف است. نخستین دوره جشنواره ملی فیلم اقوام ایرانی توسط موسسه فرهنگی هنری فصل هنر طراحی شده و از نهم تا ۱۴ آبان امسال به دبیری کمال تبریزی و ریاست مهدی حیدری با شعار «قوام، ریشه ایران زمین» در تبریز برگزار خواهد شد. فیلمسازان و سینماگران علاقه‌مند برای شرکت و ثبت نام در جشنواره ملی فیلم اقوام ایرانی می‌توانند به سایت جشنواره به نشانی **www.aghvamfilm.com** مراجعه کنند.

انتشار یک اثر جدید برای علاقمندان موسیقی فلامنکو

کتاب آموزشی «پالماس» نوشته محمدرضا ربیسی و محمد موذن به عنوان نخستین متد آموزشی پالماس‌نوازی در ایران منتشر شد. به گزارش ایسنا، محمدرضا ربیسی که تا کنون سه جلد کتاب در زمینه شیوه نوازندگی کافن منتشر کرده است دربارهٔ «تازرتین کانیاش با عنوان «پالماس» گفت: مناسله ای که ضرورت چاپ این کتاب را به ما یادآوری کرد، کمبود شیوه مناسب و مدون مفه‌های موسیقی فلامنکو، معرفی دنیای جذاب و پرشور توک‌های (دستگاه‌ها) آن و نیز ایجاد پایه‌ای اساسی برای درک انواع ریتم‌های این موسیقی بود. همان طور که می‌دانید این کتاب، نخستین متد آموزشی پالماس‌نوازی در ایران است. وی در پاسخ به این سوال که چه قدر جای چنین کتابی در میان کتب آموزشی ما خالی بود، افزود: با وجود اینکه چندین دهه از حضور موسیقی فلامنکو در ایران می‌گذرد، فقدان متد درسی مناسب برای این سبک موسیقی در ایران بسیار احساس می‌شد؛ زیرا تا کنون به آن پرداخته نشده بود و هیچ کتابی در این زمینه وجود نداشت. این نوازنده ساز کافن اظهار داشت: پالماس یکی از عناصر مهم در این موسیقی است که معمولاً به صورت آموزه‌های شخصی هر نوازنده حال چه درست یا نادرست اجرا می‌شده؛ لذا تصمیم بر آن شد که شیوه و اسلوب صحیح پالماس‌نوازی را ارائه دهیم.